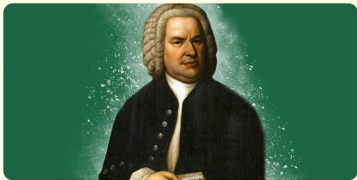


# آوای باروک

**J.S.Bach**



صدای موسیقی در دوره‌ی مشهور به باروک (بین ۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰) با آنچه ما امروز می‌شنویم، تفاوت‌های زیادی داشت. امروز برفی از گروه‌های موسیقی و آنسامبل‌های گوناگون هستند که موسیقی‌های دوره‌های مختلف تاریخی را با سازهای همان دوره‌ها و با مقررات و کوک‌ها و امکان‌های همان روزگار قدیم اجرا می‌کنند. به اجرای این گروه‌ها به اصطلاح می‌گوییم: اجرای تاریخ‌مدار، یا اجرای تاریخ‌آگاه. چنین بازسازی‌هایی به ما نشان می‌دهد که ذوق موسیقایی در هر دوره چگونه بوده است.



قاعدتاً این پرسش باید برای هرکس جالب باشد که مثلاً باغ چه صدایی می‌شنیده است؟ فب گرچه پیدا کردن ویولن سل‌ها و ابواها و ویولاهای دوران باروک چندان هم کار سفتی نیست و فیلی از آنسامبل‌ها هستند که از چنین سازهای نصیب دارند، اما برفی از سازهای آن دوران دیگر جایی پیدا نمی‌شود و سافتنشان هم کاری نیست که بتوان با هزینه‌ای معقول به انجام رساند. یکی از این سازها، سازی است به نام لائوتن ورک که به نام لوت‌هارپسیکورد هم شناخته می‌شده است. متماً از نامش حدس می‌زنید که این ساز نوعی هارپسیکورد است، با این حال، لائوتن‌ورک با هارپسیکوردهای آشنای ما تفاوت‌هایی داشت و سیم‌هایش هم از رشته‌های فلزی ساخته نمی‌شد، بلکه از مواد طبیعی برایش سیم می‌ساختند و همین هم باعث می‌شد که صدایی همچون صدای لوت (شبیه عود فودمان) داشته باشد.



یکی از برجسته‌ترین سازندگان این ساز، از عموزادگان یوهان سباستین باخ بزرگ بود به نام یوهان نیکلاوس باخ. برای شنیدن پرلود، فوگ، و آلترو در می بمل ماژور (BWV ۹۹۸) باخ می‌توانید همین شماره ی دافل پرانتز را در کنار نام Dongsok Shin جستجو کنید تا اجرایی با همین ساز به گوش بشنوید و همان صدایی را دریابید که یوهان سباستین باخ می‌شنید و برایش موسیقی می‌نوشت.

دانگسوک شین، نوازنده‌ی آمریکایی، از دهه‌ی ۱۹۹۰ در گروهی به نام ریل عضو است. این گروه به بازآفرینی موسیقی باروک اختصاص دارد و در این زمینه هم فعالیت‌های زیادی می‌کند. آقای شین درباره‌ی اجراهایش با ساز فراموش‌شده‌ی لائوتن‌ورک می‌گوید که «تمبر زه‌های این ساز با هارپسیکورد بسیار متفاوت است.



اصلا آن درفشش را ندارد و راستش به جای گوش، قلب آدم را می‌لرزاند. اگر باغ یکی دو تا از این سازها داشت، امروز به این راهتی‌ها آن را فراموش نمی‌کردیم.» قاعدتا بهترین کسی که می‌توانست این ساز را امروز به ما معرفی کند، کار دشواری در پیش می‌داشت، چراکه ۱۱ فروردین او ۱۳۳۶ ساله شد و قاعدتا برای پیرمردی ۱۳۳۶ ساله کار آسانی نخواهد بود که بنشیند و برایمان راجع به خصوصیت‌های این ساز و قطعه‌هایی که برای آن نوشته است، سفن‌رانی کند.



(البته در مورد زادروز یوهان سباستین باخ مناقشات هست و برزی می گویند که او در ۲۱ مارس (مقارن با اول فروردین) به دنیا آمده است و شماری هم شواهدی دارند که بر اساسش می گویند او ۳۱ مارس (مقارن با یازدهم فروردین) زاده شده است، ولی همه توافق دارند که او در مارس ۱۶۸۵ به دنیا آمده و با این حساب، فروردین امسال ۳۳۶ ساله شده است.)



اگر به اجراهای تاریخ آگاه علاقه دارید، می‌توانید اجرای گروه «Voicess of Music» از کُن پافلِل و چهارفصل ویوالدی و بسیاری از آثار باخ را به آسانی پیدا کنید. این گروه هم با استفاده از سازها و قیدهای دوران باروک و رنسانس، موسیقی‌های آن روزگاران را اجرا می‌کنند و برخی از اجراهاشان هم به‌راستی که شنیدنی است. با همی این اوصاف، نباید از نظر زیباشناسی اولویتی برای انواع اجراها قائل شد. در یادداشت‌های دیگر درباره‌ی نظریه‌های مهم در این زمینه بیشتر خواهیم گفت، لیکن باید یادآوری کنیم که اجراهای امروزی از آثار باخ، برای گوش و هوش امروزی، هیچ کم‌ارزش‌تر از اجرا با سازهای دوران قدیم نیست.

